

برای این روزهای بحرانی چه کنیم؟

ذهن آرام و امیدوار دوای دردها

دکتر داوود فیرجی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱ شیوع ویروس کرونا کشور ما و تمام دنیا را درگیر خود کرده است اما بی شک قادریم این روزها را به تجربه‌ای مثبت بدل کنیم. این ایام، نوعی آزمون الهی، اخلاقی، اجتماعی برای بشر امروز است و هر کس به سهم خود باید مسئولیت اجتماعی و شخصی اش را بجا آورد تا بتوان از این بحران به نحو مطلوب و درس آموزی عبور کرد. هر فرد به قدر توان خود و بر اساس تخصص خود باید به گذر مطلوب این ایام بیندیشد.

۲ بهترین راهکار برای گذران مفید این ایام چیست؟ چطور می شود در شرایط سخت و بحرانی روحیه را حفظ کرد؟ شنیده‌ها و خواننده‌ها حاکی از این است که بهترین سرگرمی با درصد بالایی از آرامش «مطالعه» است؛ مطالعه در مقایسه با برنامه‌های سمعی و بصری دیگری چون تماشای فیلم، می‌تواند آرامش بیشتری را برایمان زمینه سازی کند. علت این امر هم آن است که افراد با «خواندن» فرصت بیشتری برای تأمل می یابند و با تأمل و تفکر بهتر می‌توانند هیجانات منفی خود را در شرایط بحرانی کنترل و مدیریت کنند. در ایام خودقرنطینگی در دو قالب می‌توان مطالعه کرد و از فواید آن بهره مند شد؛ گاه مطالعه صورتی عمومی دارد مثل خواندن آثار ادبی و رمان؛ بویژه رمان‌هایی که به تجربه امروز بشر نزدیک اند؛ داستان‌هایی که مربوط به بیماری‌های فراگیر می‌شوند و به ما گوشزد می‌کنند که پیش از این نیز بشر دشواری‌های بس پیچیده‌ای را پشت سر گذاشته است و توانسته راه حل‌هایی برای گذر از ایام سخت بیابد. چنین مطالعاتی در وهله نخست باعث «خلق امید» در ما خواهد شد و دیگر اینکه با خواندن چنین آثاری می‌توانیم خود را در تجربه دیگران سهیم کنیم که این نیز پس لذتبخش است. اما صورت دیگر مطالعه، مطالعه تخصصی است که طی آن افراد حوزه‌های خاصی را دنبال می‌کنند که ارزش و ضرورت این دست از مطالعات هم بر کسی پوشیده نیست. به این اعتبار می‌توان گفت تجربه‌های گذران اوقات فراغت بسیار متفاوت هستند؛ به اندازه افراد، نوع خانواده‌ها و سوابق کاری و تحصیلاتی شان، برای گذران این ایام شیوه‌های گوناگونی می‌توان خلق کرد. اما برای افرادی همچون من که اغلب روزهایم را به مطالعه و تدریس و پژوهش سپری می‌کردم، گذران ایام خودقرنطینگی راحت‌تر و شاید حتی دلپذیرتر هم باشد؛ چراکه همواره مترجم فرصتی بودم که از قیل و قال برون فاصله گرفته و به کارهای

در شرایط بحرانی، یکی از خطرهایی که هر جامعه‌ای را می‌تواند تهدید کند افتادن در دام نیهیلیسم، سرگردانی و تاحدی فروپاشی نظام ارزشی است؛ اینها خطرات احتمالی چنین شرایطی است و باید تا حد زیادی نسبت به آن هشیار بود

عقب افتاده برسم. من این ایام را بیشتر با مطالعه می‌گذرانم و سعی می‌کنم که نوشته‌های ناتمام خود را تکمیل کنم و به منابع دیجیتالی که به راحتی از طریق اینترنت قابل دسترسی است، رجوع می‌کنم.

۳ این روزها، بیشتر می‌کوشم آثار نویسندگان و روشنفکران معاصر ایران را مرور کنم؛ آثاری از محمدعلی فروغی، مشیرالدوله، جلال آل احمد، علی شریعتی و دکتر سید جواد طباطبایی را در دست مطالعه دارم. علت این سمت و سوی مطالعاتی من، پروژه‌ای با عنوان اولیه «دولت مدرن و بحران قانون در ایران» است که این روزها در دست انجام دارم؛ چرا که معتقدم امروز هم



titheadnet

نشانه‌های بحران قانونگذاری در حوزه‌هایی از حکمرانی دیده می‌شود. از این رو، می‌کوشم تا به نوعی توضیح دهم که کشور ما در حوزه قانونگذاری از چه مشکلاتی رنج می‌برد.

۴ در شرایطی که جامعه با شیوع ویروس کرونا مواجه است بحث عمده ما در این فضا «امید» است. این نخستین بلا نیست که تجربه می‌کنیم از طرف دیگر در این بحران، کشور ما تنها نیست. در بحران‌های اینچنینی توجه به دوام بسیار یاری رسان است؛ یکی «دعا» و دیگری «دوا» که یکی «آرامش» می‌دهد و دیگری «آسایش تن». دعا و دوا اکنون دو بال عبور ما از این بحران هستند و هیچ یک جای دیگری را نمی‌گیرد. پیشگیری آگاهانه و علمی در کنار دعا و آرامش بسیار اهمیت دارد. هیچگاه ذهن ناآرام و ناامید نمی‌تواند دوای خوبی برای دردهایش بیابد.

۵ در شرایط بحرانی، یکی از خطرهایی که هر جامعه‌ای را می‌تواند تهدید کند افتادن در دام نیهیلیسم، سرگردانی و تاحدی فروپاشی نظام ارزشی است؛ اینها خطرات احتمالی چنین شرایطی است و باید تا حد زیادی نسبت به آن هشیار بود. نکته‌ای که در این فضا، نباید فراموش کرد این است که جامعه و هموطنان‌مان باید از این حادثه به سلامت عبور کنند. بدخلقی‌های یکدیگر را که می‌تواند ناشی از یکجانشینی باشد، درک کنند و به برقراری ارتباطات خانوادگی از طریق شبکه‌های اجتماعی بپردازند. این ایام همچنین می‌تواند فرصت خوبی برای تأمل و بازاندیشی در زندگی‌مان باشد. بنابراین این فرصت را باید غنیمت شمرد و از آن به بهترین وجه بهره گرفت.

مدیریت بحران با اعتماد اجتماعی چگونه باید باشد؟

فرستی برای گفت‌وگو و تعامل بیشتر با خانواده

دکتر علیرضا بهشتی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۱ نوروز امسال، به واسطه شیوع ویروس کرونا، نسبت به سال‌های گذشته حال و هوای متفاوتی به خود گرفته است. برای جلوگیری از شیوع این ویروس، همه به نوعی خودقرنطینگی را در دستور کار قرار داده‌ایم. فارغ از اینکه چگونه می‌توان وضعیت خودقرنطینگی را به فرصت بدل کرد، باید به این مسأله نیز پرداخت که چرا با وجود همه هشدارها مبنی بر ضرورت ماندن در خانه، گروهی از هموطنان ما، با بی‌توجهی به نکات بهداشتی، همچنان در فضاهای پرتردد حاضر می‌شوند؟ شاید بتوان این بی‌توجهی را به وضعیت «سرمایه اجتماعی» در جامعه ایرانی ربط داد. واقعیت این است که سرمایه اجتماعی در ایجاد «همبستگی» و «انسجام اجتماعی» نقش بسزایی دارد. از این رو، باید اقدامات لازم برای تقویت هر چه بیشتر سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

در این فضا، مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی «اعتماد اجتماعی» است. منظور از اعتماد «اعتماد حکومت به مردم»، «اعتماد مردم به حکومت» و «اعتماد مردم به همدیگر» است. هر سه نوع این اعتمادها بر هم اثرگذارند. از این رو، ما باید اقدامات لازم برای تقویت اعتماد اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی را در دستور کار قرار دهیم تا بتوانیم هرچه بهتر بحران را مدیریت کنیم. اعتماد اجتماعی همچون دیگر انواع سرمایه‌های اجتماعی بسیار سخت و دیر بدست می‌آید اما به آسانی از کف می‌رود. وقتی اعتماد اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی در یک جامعه تقویت می‌شود،

صدای واحدی برای شنیده شدن شکل می‌گیرد. واقعیت این است که در شرایط بحرانی، افراد به دنبال اطلاعات هستند و می‌کوشند تا اطلاعات خود را از هر منبعی تأمین کنند، اما از آنجایی که هر منبع اطلاعاتی، موثق نیست، نبود صدای واحد برای شنیده شدن می‌تواند به آشفتگی اطلاعاتی در یک جامعه منجر شود. این آشفتگی اطلاعاتی باعث می‌شود تا هر کس برای خود تصمیم بگیرد. در اصطلاح فلسفه سیاسی، این آشفتگی می‌تواند یک جامعه را به وضعیت «لانظام» یعنی

اعتماد اجتماعی همچون دیگر انواع سرمایه‌های اجتماعی بسیار سخت و دیر بدست می‌آید اما به آسانی از کف می‌رود. وقتی اعتماد اجتماعی و به تبع آن سرمایه اجتماعی در یک جامعه تقویت می‌شود، صدای واحدی برای شنیده شدن شکل می‌گیرد.

جامعه ماقبل مدنی نزدیک کند. البته این بدان معنا نیست که ما اکنون در این وضعیت بسر می‌بریم؛ اما واقعیت این است که اگر آشفتگی اطلاعاتی را نتوانیم مدیریت کنیم و چنین پدیده‌ای در جامعه شکل بگیرد، مسائل غیرقابل جبرانی را پیش رو خواهیم داشت. «راستگویی» و «صداقت» می‌تواند در شرایط بحرانی اعتماد اجتماعی را ترمیم و تقویت کند. به این منظور، انتظار می‌رود که مسئولان و حتی هر یک از ما هر چه بیشتر سعی کنیم مستندتر صحبت کنیم؛ چراکه صداقت است که اعتماد را بین مردم و بین حاکمیت و



titheadnet

مردم بیش از پیش تقویت خواهد کرد. ۲ یکی از دغدغه‌های ما در این ایام شاید این امر باشد که چگونه می‌توان این تهدید را به یک فرصت بدل کرد؟ و در شرایط

سخت و بحرانی روحیه خود را حفظ کرد؟ واقعیت این است که این ایام، به نحو اثربخشی می‌تواند فرصتی برای مطالعه و اساساً نهادینه شدن «فرهنگ خواندن» در جامعه ما باشد؛ بطوری که «خواندن» را به یک عادت اجتماعی بدل کنیم. در این فضا، می‌توانیم با ادبیات ایران انس بیشتری پیدا کنیم؛ در این فرصت آثار کلاسیک و معاصر ایران بسیاری می‌تواند قابل بهره برداری باشد. فارغ از کتاب‌های ادبی، کتاب‌های «تاریخ بی‌خردی» نوشته باربارا تاکمن، «راه باریک آزادی» اثر دارون عجم اوغلو و جیمز ای رابینسون و همچنین کتاب «هویت» از فرانسیس فوکویاما را آثاری قابل تأمل می‌دانم که جهت مطالعه در این ایام پیشنهاد می‌کنم. می‌توان از این دوران خودقرنطینگی به خوبی بهره‌برداری کرد و شاید بهتر باشد که ما خود را برای یک دوره نسبتاً طولانی آماده کنیم. واقعیت این است که زندگی پر مشغله شهری، اغلب فرصت چندانی برای در کنار هم بودن خانواده، باقی نمی‌گذاشت حال باید از این وضعیت به عنوان فرصتی برای گفت‌وگو و تعامل بیشتر با خانواده بهره برد. این زمان فرصت مناسبی برای بازنگری در بسیاری از نگرش‌های ما است.

حماسه بهاری در عملیات فتح المبین

ریشه‌های خاک، لاله‌های دشت



محمدصادق درویشی

در تاریخ جنگ ایران و عراق، فتح المبین عملیات محبوب من است. یک فتح روشن و عظیم متعلق به دوران اوج ملی بودن جنگ که هنوز پای دشمن در خاک وطن بود؛ در منطقه عمومی شوش و دزفول و رودخانه کرخه که قدمت و اتصال آن به خاک این سرزمین به هزاره‌های دور می‌رسد و شاید بشود گفت هسته مرکزی ایران کهن بوده است.

این عملیات که پس از ثامن الائمه (شکست حصر آبادان) و طریق القدس (آزادسازی بستان) انجام شد، زنجیره پیروزی‌های ایران را تکمیل کرد و همه چیز مهیای آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس شد. از ۴محور اصلی عملیات که فلش‌های حمله ایران برای تصرف سرزمین و انهدام دشمن بوده، در سه محور رخ داده‌ای نظامی شگفت‌انگیزی در این عملیات حادث شد و شاید همین نوع جنگ بود که این عملیات‌لو رفته را که در انجام و آغاز آن تردید جدی وجود داشت، به یک پیروزی دوران ساز بدل می‌کند.

در محور شمال غرب عملیات مأموریت تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی حسین خرازی آزادسازی جاده دهلران-دزفول و دشت عباس تا عین خوش بود. رزمندگان اصفهانی پس از ۱۵ کیلومتر مانور، دشمن را دور زدند و اهداف تصرف شد، ولی جناحین موفق نشدند و حسین و نیروهایش در دشت‌های شمال خوزستان و در منطقه دالپری محاصره شدند. اوضاع بحرانی بود، پیکانی از قرارگاه نامه‌ای دست حسین خرازی داد. گفت: فرمانده گردان‌ها را جمع کنید. دستور از جانب شهید صیاد فرمانده قرارگاه بود. حسین خرازی نامه را برد بالا و گفت: «از قرارگاه پیام رسیده که عقب

نشینی کنیم. ما از سه چهار طرف با دشمن روبرویم؛ اما اوضاع اینجا را بهتر می‌دانیم. اگر رها کنیم عملیات گره می‌خورد. من می‌مانم؛ کسی اگر می‌خواهد برود». ایستادند و پس از چند روز مقاومت در محاصره، و کمکی که تیپ ۴۱ ثارالله به فرماندهی قاسم سلیمانی در شکستن محاصره داشت، دشمن را عقب زدند و گره عملیات باز شد.

در محور شمال شرق عملیات که فرماندهی قرارگاه با حسن باقری و سرهنگ حسینی سعدی بود، تیپ ۲۷ حضرت رسول با نبوغ فرمانده اش احمد متوسلیان و البته صلابت محسن وزوایی دشمن را دور زدند و توپخانه قرارگاه سپاه چهارم ارتش عراق بدون درگیری و با دادن هزاران اسیر تصرف شد. توپ و ادواتی که در این محور به غنیمت گرفته شد، پایه تأسیس توپخانه سپاه و نقش‌آفرینی آن در جنگ شد.

در محور جنوب عملیات در محور رقابیه احمد کاظمی و مهدی باکری کارستان کردند: آنها، در ارتفاعات میشداغ مستقر بودند و وجود کوه ذلیچان و تپه‌های رملی از مناسبات طبیعی منطقه به حساب می‌آمد. مهدی باکری به احمد کاظمی می‌گوید: باید ذلیچان را بشکافیم! ابزار کار را فراهم کردند تا مهدی و احمد به خواست خود برسند و بتوانند از آن معبر شکافته شده رزمندگان را به پشت رقابیه و نیروهای دشمن برسانند. مهدی باکری با دو گردان پیاده و یک گردان مکانیکی و با طی بیست کیلومتر مسیر بلاخیز، توانست از تنگه رقابیه عبور کند و دشمن را به محاصره در بیاورد. فرمانده تیپ ۹۱ پیاده ارتش عراق؛ سرهنگ نزار همراه با تمام نیروهایش به اسارت در آمدند. غلامعلی رشید می‌گوید: «سرهنگ نزار همیشه می‌گفت: آنها با هلی‌کوپتر پشت یگان من نیرو پیاده کردند!»

اما کار در محور شرق عملیات که هدف استقرار روی ارتفاعات ابوصلیبی خات و تصرف رادار و سایت‌هایی بود که عراق از آنجا شوش، دزفول و اندیشک را زیر آتش توپخانه می‌گرفت، گره خورد. در این ناحیه محکم‌ترین خطوط، حجم انبوه آتش و هوشیاری دشمن، منتظر نیروهای ایران بود. در دومین روز سال ۶۸، برای عقب راندن عراق هرچه زنده به در بسته خوردند و شیار شلیکا و شیار شیخی، معیادگاه و زمندگانی شد که برای بیرون راندن عراق به خاک افتادند. چند روز بعد با پیروزی در محورهای دیگر، ارتش عراق ادوات آتش و زرهی خود در این منطقه را گذاشت و عقب نشینی کرد.

روزهای ابتدای فروردین تا همیشه معطر از خون شهدای فتح المبین و غرور بیرون راندن دشمن از خاک وطن است. ایستادگی حسین خرازی و قاسم سلیمانی، نبوغ و صلابت احمد متوسلیان و محسن وزوایی و مانور حیرت‌انگیز مهدی باکری و احمد کاظمی و آزادسازی ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک ایران، نام و یاد این عملیات را تا ابد بر جریده این سرزمین ثبت و حک کرده است.

ابوشهاب معاون حسین خرازی می‌گفت: «در آن دو سه روز محاصره، در روزهای اول بهار دشت عباس و شمال خوزستان حال و هوای دیگری داشت. لاله‌های روییده در تن دشت، کاری کرد که اصلاً فراموش کرده بودیم در محاصره‌ایم». سردار ابوشهاب راست می‌گوید، من فروردین خوزستان و دشت‌های آن را بلدم؛ انکار خدا یک تکه از بهشت را نازل کرده آن حوالی. بهشتی که مردان فتح المبین، حسین خرازی و مهدی باکری و حسن باقری و ... از آنجا دارند به این روزهای ایرانمان نگاه می‌کنند.

“



روزهای ابتدای فروردین تا همیشه معطر از خون شهدای فتح المبین و غرور بیرون راندن دشمن از خاک وطن است. ایستادگی حسین خرازی و قاسم سلیمانی، نبوغ و صلابت احمد متوسلیان و محسن وزوایی و مانور حیرت‌انگیز مهدی باکری و احمد کاظمی و آزادسازی ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک ایران، نام و یاد این عملیات را تا ابد بر جریده این سرزمین ثبت و حک کرده است